

باید بدانیم که آن‌ها افراد ساده لوحی نیستند که حق ایران را در توافق بگنجانند. لاقلاً تیم مذاکره کننده ما نزد خود آن‌ها (غرب) و در دانشگاه‌های آن‌ها درس خوانده است. یعنی آن‌ها استادهایی داشته‌اند که این‌ها را تربیت کنند و سال‌ها در مسائل حقوق بین الملل و قوانین بین المللی تجربه دارند و خودشان هم آن‌را نوشته‌اند. زبان انگلیسی هم زبان آن‌هاست.

شجاعانه وارد می‌شوند. درست مانند دوران جنگ که عده‌ای از سربازی فرار می‌کردند و عده‌ای هم که سربازی رفته بودند داوطلب بودند.

البته آقای دکتر تصور می‌کنم در حوزه اطلاع رسانی درباره این موارد ضعف‌هایی در سازمان انرژی اتمی وجود دارد که باعث می‌شود ما رسانه‌ها و مردم از این اتفاقات باخبر نشوند.

فکر نکنید که همه برای سازمان انرژی اتمی سر و دست می‌شکنند. البته خب عده‌ای هم که در جنگ وارد خط مقدم نمی‌شدند پشت جبهه که کمک می‌کردند. الان هم حرف من این است که ارزش دستاورد خود را بدانیم و آن‌را خوار نکنیم. من خیلی ناراحت شدم که در سیستم تبلیغات ریاست جمهوری یک کاندیدا از چرخیدن سانتریفیوژ و گره زدن آن به زندگی مردم استفاده کند. مگر این سانتریفیوژ را آقای احمدی نژاد یا جریان اصولگرایی در کشور به راه انداخته که بخواهند زندگی مردم را فلج کند؟! اگر قرار باشد این حرف را بزنند خیلی حرف‌های دیگر هم هست که باید زده شود تا مردم بدانند چه اتفاقاتی

افتاده است. چرخ زندگی مردم و کارخانه دیگر با سانتریفیوژها هیچ ارتباطی ندارد.

نکته‌ای که وجود دارد این است که به سبب مقاومتی که داشتیم و فشارهایی که آمد ...

خیلی خب!! اگر نمی‌خواهیم که چرا انقلاب کردیم؟! مگر چرخ زندگی و کارخانه‌ها نمی‌چرخید؟! چرا انقلاب کردیم؟! مگر استقلال به چه معناست؟! استقلال یعنی حق داریم تصمیم بگیریم انرژی خود را از چه محلی تامین کنیم. اگر کشور نیاز به برق دارد باید رآکتور را بسازیم. مصالح کشور که نباید با سلاقی سیاسی تغییر کند. اگر هم مصالح کشور این باشد که نیاز به انرژی اتمی نداریم اصلاً نباید وارد شویم.

برگروریم به همان موضوع ارتباط با ژانسی ...

تاحالا ژانسی حتی یک گزارش نداشته است که ایران تخلف کرده است. ایران همیشه تأکید کرده که با بازسان ژانسی در حد قانونی تعامل شود. نه زیاد و نه کم. آن‌ها هم می‌دانند که ما به طور غیر رسمی ۳/۱ و «DIQ» را اجرامی کنیم اما اعلام کردیم که تعهد نمی‌پذیریم تا از حقوق خود بهره‌مند نشویم. یعنی پرونده ایران باید عادی شود.

حالا اگر بخواهیم جمع بندی از این موضوع داشته باشیم پذیرفتن چنین تعهداتی در توافق ژنو چه نتیجه‌ای دارد؟

در برهه‌ای چون هنوز رآکتور ما (در اراک) کامل نشده و در غنی سازی هم با هجمه دشمن مواجه بودیم، نوعی خراب کاری حتی در روند رآکتور بوشهر را شاهد بودیم. بنابراین باید روی این موضوعات احتیاط کنیم. البته باید اطلاعات درست به ژانسی ارائه شود و حقوق بازسان ژانسی هم محترم شمرده شود و از حقوق ایران هم دفاع کنیم. اما تازمانی که تحریم‌ها علیه ما وجود دارد ما اطلاع نمی‌دهیم که تجهیزات را از کجا وارد می‌کنیم یا چه ویژگی‌هایی دارد.

یکی از مهم ترین چالش‌هایی که در موضوع هسته‌ای با غرب داریم مربوط به غنی سازی است. اما در توافق ژنو اشاره صریح به «حق غنی سازی ایران نشده است و صرفاً به عبارت «غنی سازی» اشاره شده است. به همین دلیل هم وقتی جان کری بعد از توافق ژنو صحبت کرد گفت غنی سازی را به رسمیت نشناختیم اما وقتی آقای ظریف صحبت می‌کرد گفت که حق غنی سازی وجود دارد و حتی رئیس جمهور نیز در نامه خود به رهبر انقلاب اشاره به «حق غنی سازی کرد. البته تحلیلی هم وجود دارد که

آمریکا یا ۶ کشور حق را برای غنی سازی هیچ کشوری به رسمیت نمی‌شناسند. مثلاً این غنی سازی دارد اما حق اش به رسمیت شناخته نشده است. سوال من این است که آیا در کشورهایی که چرخ سوخت دارند به همین شکل رفتار شده است؟

ببینید! نیاز یک کشور به انرژی با تغییر رژیم نباید تغییر کند. رژیم پهلوی برای تولید ۱۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای برنامه‌ریزی کرده بود و حتی اقداماتی را آغاز کرده بود. اما پس از انقلاب اسلامی با وجود این که نیازها بیشتر شد و برای توسعه و رفاه و ... نیاز به انرژی افزایش یافت، کشور‌های غربی اعلام می‌کنند که وقتی نفت دارید انرژی هسته‌ای می‌خواهید چیکار؟ مردم باید این موضوع را تحلیل کنند که چطور می‌شود که نیاز ما به انرژی تغییر می‌کند؟! جمهوری اسلامی که استقلال دارد نباید انرژی هسته‌ای داشته باشد؟ بنابراین آن‌ها حق را برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برای ما قائل نیستند. حتی از «ان. پی. تی» هم گذشته است این ادعاها. حتی سهم ما از ۱۰ درصدی که در کارخانه غنی سازی اورودیف فرانسه داشتیم را از اول انقلاب تاحالا نداده‌اند. حتی در معادن اورانیوم نامیبیا که سهم داریم هم کاری کردند که سهم ما را ندهند و اجازه سرمایه‌گذاری در سایر معادن هم ندادند. بنابراین موضوع استقلال ایران بسیاری از مطالب را برای کشور‌ها روشن می‌کند که چطور دنیا میان برخی کشور‌ها تقسیم شده است. در این شرایط باید بدانیم که آن‌ها افراد ساده لوحی نیستند که حق ایران را در توافق بگنجانند. لاقلاً تیم مذاکره کننده ما نزد خود آن‌ها (غرب) و در دانشگاه‌های آن‌ها درس خوانده است. یعنی آن‌ها استادهایی داشته‌اند که این‌ها را تربیت کنند و سال‌ها در مسائل حقوق بین الملل و قوانین بین المللی تجربه دارند و خودشان هم آن‌را نوشته‌اند. زبان انگلیسی هم زبان آن‌هاست. کلمات انگلیسی گاهی معانی خاصی دارد که ما نمی‌دانیم. مثلاً «نیاز عینی» یا «Objective Guarantee» که در مدالیته قبلی هم بود. به هر حال باید متوجه شویم که وقتی کلمه «عینی» می‌آید در ادامه می‌گوید که نیاز عینی شما به اورانیوم غنی شده چیست؟! اگر رآکتور دار خوین را مطرح کنیم آن وقت می‌گوید آن رآکتور که هنوز ساخته نشده پس غنی سازی را تعطیل کن و ۵ سال بعد که نیاز داشتی ما حاضریم آن را بدهیم. یعنی بحث بعدی تعطیلی غنی سازی ۵ در صد است. آن‌ها که از اعتقاد خود دست بر

این روندی که درباره رآکتور اراک می‌بینیم همان روندی است که در گزارش ۱۱۳ صفحه‌ای توسط آمریکا آمده است و حالا از برخی مسئولان ما هم این مزه شنیده می‌شود

